

جشن نوروز هیچ پیوندی با اسلام ندارد

پس از یورش سپاهیان اسلام به ایران و دیگر کشورها بر پایه آیه ۵۹ سوره الانعام کتاب قرآن «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» «و نه هیچ تر و خشکی وجود دارد، جز اینکه در کتاب مبین ثبت است.» هر چه کتاب و ماندگار های علمی بود یا به آتش سوزانده و یا به آب افکنده شد .

تاریخ نویسان نامدار اسلام می نویسند: در فتح مصر، وقتی عمرو بن العاص بر ذخائر علمی اسکندریه دست یافت، از عمر بن الخطاب خلیفه دوم مسلمین در باره آنها دستور خواست. پاسخ او چنین بود: «اگر در آنها مطالبی موافق کتاب خداست با وجود آن (قرآن) استغنا حاصل است و اگر در آنها چیزی بر خلاف کتاب خداست حاجتی بدان نیست به نابود کردن آنها اقدام کن.»

چون این فرمان به عمرو بن العاص رسید شروع به پخش کتابها میان گرمابه های اسکندریه کرد ، گفته می شود که سوخت ششماه گرمابه ها از سوزاندن کتابها فراهم شد.

در تازش به ایران نیز همین رویداد پیش آمد و گذشته از گرداندن آسیابها با خون ایرانیان. سعد بن ابی وقاص، هنگامیکه از عمر در باره کتاب های کتابخانه های ایران دستور می خواهد، عمر بن الخطاب می نویسد: «آنها را در آب افکن، زیرا اگر متضمن هدایت باشد، خداوند ما را با کتابی که راهنما تر از آنهاست هدایت کرده و اگر مایه گمراهی باشد خداوند ما را از آن بی نیاز ساخته است.»

اخبار الحکما چاپ مصر ج ۱ ص ۳۳- مختصر الدول ابی افرج ملطی - تاریخ التمدن الاسلامی جرجی زیدان ج ۳ ص ۴۱ - کشف الظنون حاجی خلیفه چاپ ترکیه ج ۱ ص ۴۴۶ - معجم البلدان ج ۵ ص ۲۴۳

هدف آن فرمان های بر گرفته شده از کتاب قرآن، از میان بردن شناسه فرهنگی و تاریخی و علمی مردم ایران و دیگر کشورهای شکست خورده بود، در این میان، بویژه ایرانیان بایستی به بردگان یا بگفته عربها، مولیان بی هویتی تبدیل شوند.

شیخ عباس قمی در کتاب سفینه البحار و مدینه الآثار و الاحکام صفحه ۱۶۴ این گفته حسین ابن علی امام سوم شیعیان را می آورد:

« ما از تبار قریشیم دوستان ما عرب ها و دشمنان ما ایرانیها هستند روشن است هر عرب از هر ایرانی برتر و بالاتر است و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانیها را باید دستگیر کرد به مدینه آورد زانشان را در بازارها به فروش رساند و مردانشان را به کنیزی و برده گی اعراب گماشت . »

از سویی اشغالگران کوشیدند که شاد زیوی را، که یکی از ویژگیهای فرهنگ کهن ایرانی و در تار و پود این مردم نهادینه گشته بود را با از میان بردن نماد های آن که جشن های ایرانی بودند نابود نمایند، و ایرانیان مبارز نیز برای پاسداری از فرهنگ نیاکانشان دست از تلاش بر نمی داشتند، ولی با همه کوششها و جانفشانی ها برخی از این جشنها یا از میان رفت و یا به بوته فراموشی سپرده شد و یا از رنگ و بو افتاد .

در میان این جشنها، نوروز از جایگاه ویژه ای در میان ایرانیان بر خوردار بوده و می باشد، یکی از جشنهایی که هرگز دشمنان نتوانستند آنرا از میان بردارند و یا از انجام آن جلوگیری نمایند، همین نوروز باستانی و آغاز سال نو ایرانی بود، که ایرانیان در سخت ترین و دشوار ترین برهه از زمان به انجام و پاسداری از آن پرداخته و می پردازند، تا جاییکه سده ها پس از یورش سپاهیان اسلام و هنگامیکه دشمنان در این تلاش خود ناکام ماندند دست به تحریف و مصادره آن زدند. در دربار برخی از خلفای اسلامی و سلاطین و حکمرانان نیز به بر پایی این جشن می پرداختند و به آن رنگ و بوی اسلامی دادند.

و «گفتند که نوروز در دین اسلام محترم شمرده شده است و تنها جشن و آیین ملی است که اسلام و مذهب تشیع آن را منسوخ نکرد، بلکه جلال و شکوه هدفداری نیز بدان بخشید و با رنگ و بوی مذهبی و دینی آراسته است.»

البته در درازای سده ها در جشن نوروزی ایرانیان نیز ناهنجاری ها و ناسازگاری با فرهنگ ایرانی وارد کردند، و کتاب قرآن را که خود آیات آن پایه کتاب سوزان و از میان بردن علم و دانش و شناسه میهنی قرار گرفته بود، را بر سر سفره هفت سین آوردند و یک جشن کهن ایرانی را با تصاویر خیالی محمد پیامبر اسلام و علی داماد و خلیفه اش و حسین فرزندش، که خود هر یک در تازش به ایران و از میان بردن فرهنگ والای ایرانی نقش بزرگی داشتند آراستند، و مردم را وادار کردند که بر خوان نوروزی اورادی بزبان بیگانگان بخوانند و نوروز را بیکدیگر شاد باش بگویند.

در دوره اسلامی نوروز را به سلیمان پیامبر نسبت داده اند و گفته اند که چون وی انگشتری خود را گم کرد، پادشاهی از دستش بیرون رفت و پس از چهل روز آن را باز یافت و شکوه پیش به او بازگشت و پادشاهان نزد او رفتند و مرغان بازگشتند و ایرانیان گفتند ((نوروز آمد))

این افسانه ها بر گرفته شده از تورات کتاب آسمانی و مقدس یهودیان است، که سپس به قرآن نیز در آمده و پایه و ستونهای دین اسلام را پی ریزی کرده است. ولی حتی در داستان سلیمان اشاره به تاریخ بر تخت نشستن دو باره وی نشده است که بتوان در یافت که روز نوروز بوده است.

مجلسی در کتاب ((سماء و العالم)) از قول جعفر صادق امام ششم شیعیان روایت کرده است که روز اول فروردین حضرت آدم آفریده شده است.

بر پایه داستانهای تورات خدا روز اول نور و تاریکی را آفرید و روز و شب را درست کرد و روز دوم آسمان را آفرید و روز سوم زمین و دریا را آفرید و گیاهان را و روز چهارم ستارگان و فصلها را و روز پنجم حیوانات بزرگ دریایی آفرید و پرندگان را آفرید و روز ششم و در پایان، زمین انواع جانوران و حیوانات اهلی و وحشی و خزندگان را بوجود آورد و سپس آدم را آفرید.

پس خدا پنج روز پیش از نوروز آغاز به آفرینش جهان نمود و روز پایان که نوروز بود آدم را آفرید. در بالا می خوانیم که روز چهارم فصلها را آفرید و اگر این افسانه را بپذیریم و آغاز آفرینش فصل ها را بهار یا نوروز قرار دهیم، باز حساب «امام جعفر صادق» صادق نمی باشد و آدم روز سوم فروردین آفریده شده و نه روز یکم فروردین. در حدیث معلی بن خنیس یا حدیث نوروز می خوانیم که جعفر بن صادق می فرمایند: ((ای معلی، روز نوروز همان روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را بپرستند و او را انبازی نگیرند. و به پیامبران و حجج و امامان ایمان بیاورند، همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و بادهای وزیدن گرفت و زمین در آن شکوفا و درخشان شد.

اینجا امام جعفر می گوید که نوروز همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و با حساب تورات روز نخست بود که خدا آفتاب را آفرید پس اگر امام در بالا فرمودند که نوروز روز آفرینش حضرت آدم بوده باز حساب درست در نمی آید ، چون نمی توان در شش روز دو بار نوروز داشت. و دیگر اینکه نمی توان پنج روز پیش از نوروز را نوروز نامید. مجلسی در کتاب ((زادالمعاد)) پس از ذکر فضایل نوروز و این که نوروز روز موافق با روز مبعث و (۲۷) بیست و هفتم ماه رجب بود و در همان روز پیامبر به پیامبری مبعوث گردید.

بیست و هفتم (۲۷) ماه رجب سال سیزده (۱۳) پیش از هجرت برابر می شود با نهم (۹) ژوئیه سال ششصد و نه (۶۰۹) ترسایی و برابر با هفده (۱۷) تیر ماه ایرانی و باز هم حساب امام درست در نمی آید و بعثت پیامبر اسلام روز نوروز نمی شود.

و امام صادق می گوید : نوروز همان روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی آرام گرفت .

برپایه روایت های تورات سفر پیدایش سوره هفتم آیه های (۱۰-۱۱-۱۲) هنگامیکه نوح ششصد (۶۰۰) ساله بود در روز هفدهم ماه دوم (Iyyar) سال هزار و پانصد و پنجاه و شش (۱۵۵۶) برابر با ماه آوریل ترسایی که برابر با اردیبهشت ایرانی می باشد ، توفان آغاز شد.

و در سفر پیدایش سوره هشتم آیه های (۳ و ۴) آمده که صد و پنجاه (۱۵۰) روز پس از توفان کشتی روی کوه آرام گرفت، با این حساب در می یابیم که صد و پنجاه (۱۵۰) روز بعد می شود ماه (Tishri) عبری و برابر با ماه سپتامبر ترسایی و آبان ماه ایرانی. پس روز نوروز نمی شود.

و بر پایه این داستان، پس از آن نیز صد و پنجاه (۱۵۰) روز نوح در کشتی ماند و سپس خارج شد که باز می شود ماه (Adar) عبری و یا بهمن ماه و یا ژانویه و این هم روز نوروز نمی شود.

امام صادق می گوید : همان روزی است که پیامبر خدا، امیرالمؤمنین علی (ع) را بر دوش خود برداشت تا بتهای بیت الله الحرام (کعبه) را به زیر افکند و بتان را خرد کند . چنانچه ابراهیم نیز چنین کاری را کرد . تاریخ این رویداد هم در جایی نوشته نشده تا بتوانم آنرا حساب کنم.

امام صادق می گوید : همان روزی که پیامبر به یاران خود دستور داد تا با علی (ع) به عنوان امیرالمؤمنین بیعت کنند . اشاره به داستان غدیر خم است، که گفته می شود در روز هجدهم (۱۸) ذیحجه سال دهم (۱۰) هجری رخ داده است، که برابر می شود با نوزده (۱۹) مارس سال دهم ترسایی و بیست و هشتم (۲۸) اسفند ماه ایرانی، که باز هم روز نوروز نمی باشد.

امام صادق می گوید : همان روزی است که پیامبر (ص) ، علی (ع) را به وادی الجن (دره جنیان) فرستاد تا از آنان برای خود بیعت بگیرد.

هیچ نشانی از تاریخ ماموریت علی در تماس با جنیان در جایی نیافتم که بتوانم آنرا حساب کنم.

امام صادق می گوید : همان روزی که علی (ع) بر مردم نهروان (خوارج) پیروز شد .

جنگ نهروان در روز نهم (۹) صفر سال سی و هشت (۳۸) هجری برابر با بیستم (۲۰) ژوئیه سال ششصد و پنجاه و هشت (۶۵۸) ترسایی و بیست و نهم (۲۹) تیر ماه سال سی و هفت (۳۷) هجری شمسی رخداد و باز هم روز نوروز نمی شود.

سرانجام اینست که نوروز جشن باستانی ایرانیان هیچ پیوندی با اسلام و دیگر ادیان ابراهیمی ندارد. نوروز ایرانیست و پیروز است

فرامرز دادرس
پاریس ۲۰ مارس ۲۰۰۷
یک روز پیش از نوروز

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>

derafsh-kaviyani.com